

تأثیر عرضه اولیه سهام بر کیفیت حسابداری: مطالعه تجربی با شواهدی از اظهار نظر حسابرس و حق الزحمه حسابداری

مریم اکبریان فرد

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
maryam.akbaryan1004@gmail.com

حمیدرضا وکیلی فرد

دانشیار گروه مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
h-vakilifard@srbiau.ac.ir

هاشم نیکومرام

استاد گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
h-nikoumaram@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۰۸

چکیده

نگرش های محافظه کارانه حسابرسان در ارائه نظر در راستای موضوع استقلال حسابرس می تواند نکته قابل تاملی در عملکرد حسابرسی باشد. عوامل متعددی بر صدور گزارش مقبول حسابرسان موثر است که از جمله عرضه اولیه سهام می باشد زیرا این تلاش بالقوه برای بازاریابی حسابرسی و به تصویر کشیدن مطلوبیت خدمات حسابرسی در جهت اهدافی همچون اعتباربخشی و اعتماد سازی برقرار است. در همین راستا، هدف این پژوهش تبیین تأثیر عرضه اولیه سهام بر اظهار نظر حسابرس و حق الزحمه حسابرسی است. به منظور نیل به این هدف ۱۴۰۸ سال-شرکت (۱۲۸ شرکت برای یازده سال) مشاهده جمع آوری شده از گزارشات مالی سالیانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ مورد آزمون قرار گرفته اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که کیفیت حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام افزایش می یابد و حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه رابطه معنی دار و مثبتی با حق الزحمه حسابرسی سال پس از عرضه اولیه دارد. در حالی که، کیفیت حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام و دو سال پس عرضه اولیه سهام با کیفیت حسابرسی سال عرضه اولیه سهام تفاوت معناداری ندارد.

واژه های کلیدی: عرضه اولیه سهام، کیفیت حسابرسی، اظهار نظر حسابرس، حق الزحمه حسابرسی.

۱- مقدمه

عدم توافق با مدیران شرکت های عرضه کننده اولیه سهام واکنش نشان می دهند.

نگرش های محافظه کارانه حسابرسان در ارائه نظر در راستای موضوع استقلال حسابرسی می تواند نکته قابل تاملی در عملکرد حسابرسی باشد. عوامل متعددی بر صدور گزارش مقبول حسابرسان موثر است که از جمله عرضه اولیه سهام می باشد زیرا این تلاش بالقوه برای بازاریابی حسابرسی و به تصویر کشیدن مطلوبیت خدمات حسابرسی در جهت اهدافی همچون اعتباربخشی و اعتماد سازی برقرار است. اما سوال مهمی وجود دارد این که آیا ثبات رفتاری در خصوص نظارت موثر بر بازار خدمات حسابرسی غیر از عرضه اولیه نیز برقرار است؟ اینکه عکس العمل حسابرسان در سال های پس از عرضه اولیه حسابرسی چگونه است؟ آیا این رفتار ثابت در تدوین گزارش های حسابرسی با در نظر داشتن نظارت موثر همچنان وجود دارد یا اینکه تنها یک حرکت محافظه کارانه است که بازار بصورت نامحسوس شاهد آن است. با توجه به بالا بودن عدم تقارن اطلاعاتی در عرضه اولیه سهام، انتظار بر این است که بازار سرمایه در فرآیند عرضه اولیه با دقت بیشتری شرکت های مشمول عرضه اولیه را مورد توجه قرار دهد و در نتیجه موسسات حسابرسی معتمد نیز در تلاش مضاعف برای یک نظارت کارا بر فرآیند گزارشدهی برای شرکت های بورسی باشند.

هدف این مقاله آن است تا تحلیلگران مالی، استفاده کنندگان صورتهای مالی، جامعه حسابداران رسمی کشور و سازمان بورس اوراق بهادار را از اثر بخشی نقش حسابرسی باکیفیت بیشتر آگاه نماید. همچنین بدنبال پاسخ دادن به این سوال است که حسابرسان نسبت به ریسک بالای خود در حسابرسی شرکت های عرضه کننده اولیه سهام چگونه عکس العمل نشان می دهند. انتظار می رود نتایج این پژوهش بتواند دستاورد و ارزش افزوده علمی به شرح زیر داشته باشد: این که شواهد پژوهش نشان خواهد داد که در هنگام عرضه اولیه سهام حسابرسان به علت ریسک دادخواهی، حسابرسی با کیفیت بالاتری ارائه خواهند داد یا خیر؟ این موضوع به عنوان یک دستاورد علمی می تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار قانون گذاران حوزه تدوین استانداردهای حسابرسی و بازار سرمایه و همچنین استفاده کنندگان صورت های مالی و گزارشهای حسابرسی قرار دهد. دوم این که نتایج پژوهش می تواند ایده های جدیدی برای انجام پژوهشهای جدید در حوزه حسابرسی، پیشنهاد نماید.

در هنگام عرضه اولیه سهام، مدیران در ارتباط با جریان های نقدی آتی، فرصت های سرمایه گذاری و مهارت های مدیریتی خودشان اطلاعات نهانی دارند. در حالیکه سرمایه گذاران نسبت به دورنمای شرکت های عرضه کننده اولیه سهام نامطمئن هستند. بخاطر وجود چنین عدم تقارن اطلاعاتی، شرکت های عرضه کننده اولیه سهام نه تنها ملزم شده اند که صورتهای مالی حسابرسی شده چند سال قبل خود را در اختیار عموم قرار دهند بلکه اطلاعات مالی پیش بینی شده حسابرسی شده خود را نیز منتشر نمایند.

صورت های مالی به عنوان مهم ترین بخش از مجموعه اطلاعات مالی محسوب می شود. اما مسئله مهم، تردید در مورد قابلیت اتکای اطلاعات مزبور است که از تضاد منافع سرچشمه می گیرد. علاوه بر تضاد منافع، مسائل دیگری نیز از قبیل عدم دسترسی مستقیم استفاده کنندگان به اطلاعات، موجب تقاضا برای خدمات حسابرسی مستقل شده است. در واقع نقش حسابرسی ارزیابی کیفیت اطلاعات برای استفاده کنندگان است. سود حسابداری و اجزای مربوط به آن، از جمله اطلاعاتی محسوب می شود که در هنگام تصمیم گیری توسط افراد در نظر گرفته می شود. این رقم بر مبنای ارقام تعهدی محاسبه و شناسایی می گردد (سجادی، ۱۳۸۲)

با رشد رقابت در حرفه، مؤسسات حسابرسی ضرورت ارائه خدمات خود با کیفیت هرچه بهتر به بازار را بیشتر دریافته و برای رقابت بر پایه ای به غیر از حق الزحمه، مؤسسات حسابرسی به دنبال متفاوت کردن خدماتشان هستند. لذا کیفیت حسابرسی از اهمیت ویژه ای نزد استفاده کنندگان برخوردار است. با توجه به این که روند خصوصی سازی با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی شتاب نسبتا بیشتری گرفته است، لزوم انجام حسابرسی با کیفیت صورت های مالی این شرکت ها برای پذیرش سهام آن ها در بورس اوراق بهادار تهران به منظور افزایش قابلیت اعتماد و شفافیت اطلاعاتی در آن ضروری به نظر می رسد.

لذا سوالی که فکر بخش خصوصی در هنگام عرضه اولیه سهام را به خود مشغول می کند این است که آیا بازار سرمایه با نظارت بیشتر تلاش کرده است که ریسک اطلاعاتی (عدم تقارن اطلاعاتی) را به حداقل برساند؟ نظارت بیشتر سازمان بورس بر عرضه کنندگان اولیه سهام می تواند ریسک حسابرسی (دادخواهی علیه حسابرسی) را افزایش دهد. لذا، حسابرسان ممکن است با تعدیل گزارش خود نسبت به موارد

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

در هنگام عرضه اولیه سهام، مدیران در ارتباط با جریان های نقدی آتی، فرصت های سرمایه گذاری و مهارت های مدیریتی خودشان اطلاعات نهانی دارند. در حالی که سرمایه گذاران نسبت به دورنمای شرکت های عرضه کننده اولیه سهام نامطمئن هستند. بخاطر وجود چنین عدم تقارن اطلاعاتی، شرکت های عرضه کننده اولیه سهام نه تنها ملزم شده اند که صورتهای مالی حسابرسی شده چند سال قبل خود را در اختیار عموم قرار دهند بلکه اطلاعات مالی پیش بینی شده حسابرسی شده خود را نیز منتشر نمایند. چنین اطلاعات مالی می تواند به سرمایه گذاران در تعیین قیمت سهم شرکت عرضه کننده اولیه سهام کمک شایانی کند. اما شناخت داراییها، بدهیها، درآمد و هزینه مندرج در صورتهای مالی تحت تاثیر اختیار عملی است که بوسیله استانداردهای حسابداری برای مدیریت ایجاد شده است. استفاده از اطلاعات مالی مندرج در صورتهای مالی در فرآیند تعیین قیمت سهام شرکت های عرضه کننده اولیه سهام توسط سرمایه گذاران، امکان و اختیاری برای مدیریت جهت دستکاری سود شود (مدیریت رو به بالا) در هنگام عرضه اولیه سهام ایجاد می کند (رزون بوم و همکاران، ۲۰۰۳).

مهم ترین ریسکی که در مورد شرکت های عرضه کننده اولیه سهام متوجه سهامداران بالقوه است عدم تقارن اطلاعاتی است. شرکت های عرضه کننده اولیه سهام علاقه زیادی به مدیریت سود رو به بالا دارند (افزایش درآمد) تا بتوانند سهام خود را در بازار به قیمت بالا به فروش رسانده و روند افزایش قیمت آن سهام بعد از درج شدن در بورس اوراق تا مدت ها ادامه داشته باشد (لی و همکاران، ۲۰۰۶).

در کشور ما نیز با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی و گسترش دامنه خصوصی سازی در کشور، در دهه اخیر عرضه های عمومی اولیه مورد توجه و استقبال شرکت ها واقع شده است. لیکن یکی از مسائلی که در این زمینه با آن روبه رو هستند، ارزش گذاری سهام عرضه های عمومی اولیه می باشد که به دلیل اهمیت آن، موضوع پژوهش های بسیاری واقع شده است. عرضه همگانی اولیه نخستین عرضه همگانی سهام شرکتی است که ممکن است قبل از عرضه نیز فعالیت داشته باشد اما فعالیت آن در حوزه همگانی نبوده است در نتیجه به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی ارزیابی دارایی های آن مبتنی بر اطلاعات ناقص و ناکافی است. مهم ترین ناهنجاری های موجود در عرضه های عمومی اولیه افت قیمت در بلندمدت، ارزشگذاری زیر قیمت و عرضه های عمومی اولیه داغ می باشند (امینال و همکاران، ۲۰۱۰). از میان ناهنجاری های مذکور،

ارزشگذاری زیر قیمت با توجه به شیوع بیشتر، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران واقع شده است.

شرکتهایی که قدم به بازار سرمایه می نهند و سهام و با اوراق بهادار خود را برای اولین بار به عموم عرضه میکنند، میتوانند از مزایایی مثل کاهش هزینه تأمین مالی فعالیتها و همچنین دسترسی به یک منبع تأمین مالی عمومی بهره مند شوند. در سطح بین الملل پژوهش های زیادی نشان داده اند که در عرضه های اولیه عمومی، شرکتها سهام خود را به قیمتی کمتر از قیمتی عرضه میکنند که سرمایه گذاران تمایل به پرداخت آن دارند. به عبارت دیگر شرکتها با فدا کردن منافع سهامداران اولیه خود و به اصطلاح «باقی گذاشتن مبلغ قابل توجهی پول روی میز هزینه زیادی متحمل شده و برای سرمایه گذاران جدید بازده مثبت غیرعادی ایجاد میکنند. شکل گیری بازده کوتاه مدت غیرعادی سهام در عرضه اولیه به قیمت گذاری کمتر از واقع یا ارزانفروشی این سهام نسبت داده میشود. این پدیده فراگیر بوده و در بورس اوراق بهادار اکثر کشورها مستند شده است (مهرانی و صفی پور افشار، ۱۳۹۳).

در یک بازار رقابتی تفاوت میان حق الزحمه مؤسسات حسابرسی بیانگر تفاوت در کیفیت این مؤسسات در نظر گرفته می شود. دی آنجلو (۱۹۸۱) بیان میکند تقاضا برای خدمات حسابرسان با کیفیت بالا برای این مؤسسات یک صرفه حق الزحمه ایجاد میکند. داروغه حضرتی و پهلوان (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت گزارشگری حسابرس و حق الزحمه وی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نیکیبخت و تنانی (۱۳۸۹) به آزمون عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرس پرداختند و آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که حجم عملیات شرکت (اندازه شرکت)، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع موسسه حسابرسی و تورم ارتباط معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارند ولی متغیرهای ریسک حسابرسی، تحصیلات و تجربه تهیه کننده صورتهای مالی با متغیر وابسته حق الزحمه حسابرس فاقد ارتباط است.

پدیده قیمتگذاری کمتر از واقع در طول زمان پدیده ای فراگیر و پایدار بوده است (چانگ و همکاران، ۲۰۰۸). کیفیت حسابرسی ممکن است دو نقش در قیمتگذاری کمتر از واقع عرضه اولیه عمومی سهام بازی کند. اول اینکه حسابرسان با کیفیت ممکن است یک نقش آگاهی دهنده داشته باشند و اطلاعات دقیقتری به استفاده کنندگان از صورتهای مالی مخابره کنند که نتیجه آن کاهش عدم اطمینان آتی برای سرمایه گذاران ناآگاه و به تبع آن کاهش قیمتگذاری کمتر از واقع است. دوم این که کیفیت حسابرسی ممکن است درباره ارزش شرکت در بازار عرضه اولیه علامت دهی کند و با ارزش

بعد از عرضه شرکت رابطه مثبتی داشته باشد، به عبارتی باعث شود قیمت گذاری کمتر از واقع سهام افزایش یابد (چانگ و همکاران، ۲۰۰۸).

جنبه‌های متعددی از عرضه اولیه سهام سبب بروز انگیزه‌هایی برای شرکت‌ها می‌شود تا سود را به طور فرصت-طلبانه از طریق افزایش اقلام تعهدی در عرضه اولیه سهام مدیریت نمایند. بیش نمایی سود، قیمت سهام را افزایش می‌دهد و قیمت بالای سهم، هنگامی مطلوب است که شرکت سهام عادی خود را بفروشد. منابع اطلاعاتی مستقل و قابل اتکا محدودی در مورد آنها وجود دارد. بنابراین ممکن است برای سرمایه‌گذاران، قضاوت در مورد مناسب بودن اقلام تعهدی شرکت‌هایی که برای اولین بار سهام خود را عرضه در بازار سهام عرضه می‌کنند، به منظور ارزیابی عملکرد آتی، امری دشوار باشد. در بررسی‌های انجام شده بر روی مدیریت سود، اقلام تعهدی نقش مهمی دارند. اقلام تعهدی سبب ایجاد تفاوت میان سود و جریان وجوه نقد می‌شوند. در نتیجه با فرض اینکه جریان‌های نقدی دستکاری نمی‌شوند، تنها راه دستکاری سود، افزایش یا کاهش اقلام تعهدی است (سان، ۲۰۰۷).

مدیریت سود در شرکت‌های عرضه کننده اولیه سهام ناشی از این واقیعت است که فرآیند عرضه اولیه سهام با عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران و بین سهامداران آگاه و نا آگاه (بی تی و ریتر، ۱۹۸۶) عجین شده است. در چنین شرایطی بازار سرمایه به منظور افزایش کارایی، نظارت بیشتر و گسترده تری بر عرضه کنندگان اولیه سهام دارد. با توجه به وجود عدم تقارن اطلاعاتی بالا در شرکت‌های عرضه کننده اولیه سهام و نظارت بیشتر بازار سرمایه، ریسک دادخواهی علیه حسابرس در چنین فضایی بشدت افزایش می‌یابد. لذا حسابرسان برای گریز از خطر دادخواهی، ممکن است با تعدیل گزارش خود به دلیل عدم توافق‌ها با عرضه کنندگان اولیه سهام و محدودیت در دامنه رسیدگی‌ها واکنش نشان دهند.

مسئله عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران بالقوه به خصوص در زمینه عرضه اولیه عمومی سهام نمود پیدا می‌کند. راک (۱۹۸۶) مساله عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران آگاه و ناآگاه را مد نظر قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاران ناآگاه عرضه‌های اولیه با ریسک انتخاب معکوس عرضه‌های جدید که عملکرد ضعیفی دارند مواجه هستند. به منظور جلوگیری سرمایه‌گذاران ناآگاه از ترک بازار، شرکت‌های انتشار دهنده سهام مجبور به باقی گذاشتن مبلغ قابل توجهی پولی روی میز یا قیمت گذاری کمتر از واقع عرضه‌های جدید

هستند تا به سرمایه‌گذاران نا آگاه به دلیل عدم توانایی آن‌ها در تشخیص بین سهام خوب وضعیف، کمک کند. یک کاربرد مدل راک این است که قیمت گذاری کمتر از واقع باید به صورت مثبت با سطح عدم اطمینان مرتبط با ارزش واقعی شرکت منتشر کننده سهام ارتباط داشته باشد (چانگ و همکاران، ۲۰۰۸).

هنگامی که عرضه اولیه سهام صورت می‌گیرد صاحبان شرکت نسبت به سرمایه‌گذاران بالقوه دارای اطلاعات خصوصی بیشتری هستند. شرکت‌هایی که اطلاعات خصوصی مطلوبی دارند درصدد هستند برای کاهش مشکل عدم تقارن اطلاعات، این اطلاعات را به سرمایه‌گذاران علامت دهی کنند. لیند و پیل (۱۹۷۷) نشان دادند هنگامیکه که مالکان یک پروژه یا یک شرکت دارای اطلاعات خصوصی در مورد پروژه نسبت به سرمایه‌گذاران بالقوه داشته باشند، میزان سرمایه‌گذاری مالکان در پروژه، نشان دهنده کیفیت آن پروژه است. هرچه مالکان سرمایه‌گذاری بیشتری در پروژه انجام دهند، بازار ارزشگذاری بیشتری برای شرکت قائل می‌شود. همگام با نقش علامت دهی، بتی (۱۹۸۹) و ویلینبرگ (۱۹۹۹) نشان دادند که یک رابط مثبت قابل ملاحظه میان درصد مالکیت مالکان و قیمتگذاری کمتر از واقع سهام در عرضه‌های اولیه وجود دارد.

بنا به استدلال، نظریه تقاضا برای کیفیت حسابرسی از آن جا ناشی می‌شود که بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران تضاد نمایندگی وجود دارد. هنگامی که هزینه‌های نمایندگی به دلیل عدم تمرکز مالکیت و عدم وجود نظارت مؤثر توسط مالکان افزایش می‌یابد، تقاضا برای حسابرسی‌های با کیفیت بالاتر افزایش می‌یابد (ازیبی^۲ و دیگران، ۲۰۱۲). همچنین، تضاد نمایندگی حتی ممکن است به عدم تقارن اطلاعاتی نیز ختم شود. بنابراین، یکی دیگر از دلایل تقاضا برای حسابرسی را می‌توان عدم تقارن اطلاعاتی دانست.

تئوری نمایندگی عمدتاً به تضاد منافع موجود بین مدیریت و مالکیت اشاره دارد. با بزرگتر شدن شرکتها، مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کرده‌اند. جدایی مالکیت از مدیریت، منجر به مشکلات نمایندگی می‌شود. طبق تئوری نمایندگی، اولین مشکل مربوط به نمایندگی وجود تضاد منافع بین سهامدار و مدیر است. یعنی سهامدار به دنبال رسیدن به بالاترین مرحله ارزش سرمایه‌گذاری است و مدیر نیز در وهله اول به دنبال افزایش ثروت خود می‌باشد؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد که مدیر، در راستای منافع سهامدار عمل ننماید. اختلاس و فساد مالی مدیر و خارج ساختن منافع سهامدار از شرکت، نمونه‌هایی افراطی از این تضاد منافع می‌باشند. بنابراین می‌توان یکی از مهمترین دلایل تقاضا برای حسابرسی سالانه را

افزایش تضاد نمایندگی و همچنین بالا رفتن هزینه‌های نمایندگی دانست. لذا می‌توان انتظار داشت که با کاهش مشکلات نمایندگی و به طبع آن هزینه‌های نمایندگی، کیفیت حسابرسی صورتهای مالی نیز افزایش یابد.

طرح سه فرضیه نظارت (مباشرت)، اطلاعات و بیمه که فرضیه های جایگزین برای شرح وجود خدمات حسابرسی است، سبب می شود تا دیدگاههای متفاوت مربوط به ارزش محصول نهایی فرایند حسابرسی، شرح داده شود. بر اساس فرضیه نظارت، شاید اصلی ترین ابزار نظارت مستمر بر عملکرد نماینده (مدیر)، تهیه و ارائه مجموعه صورتهای مالی واحد اقتصادی باشد. (والاس ۱۹۸۵). بررسی نظریه نمایندگی و نیز مفاهیم ضمنی مستتر در نظریه انتظارات منطقی و عقلایی، روشنگر این واقعیت است که نمایندگان واحد اقتصادی از انگیزه لازم برای ارائه صورتهای مالی جهت تسهیل در اجرای عملیات نظارتی از سوی مالکان، برخوردارند. در چنین شرایطی تعدیل و کاهش حقوق و مزایای نمایندگان به علت عدم اعتماد و اطمینان مالکان به ارقام و اعداد صورتهای مالی طبیعی است. بر این اساس مباشرت (نماینده) ضمن تهیه و ارائه گزارشهای مالی به ارائه شواهدی در مورد اعمال دقت در تهیه اعداد و ارقام گزارش شده و در نتیجه پیشگیری از خطاهای تصادفی و نبود تقلب با اهمیت نیز تمایل خواهد داشت. (والاس ۱۹۸۵)

در حوزه فرضیه اطلاعات چنین استدلال می شود که برهان پشتوانه تقاضای سرمایه گذاران (به عنوان گروهی از استفاده کنندگان اطلاعات مالی)، برای صورتهای مالی حسابرسی شده این است که گزارشهای مالی مزبور، اطلاعات سودمندی را برای انجام تصمیم گیری مرتبط با سرمایه گذاری ارائه می کند. اطلاعات مالی حسابرسی شده ابزاری برای کاهش ریسک سرمایه گذاری، بهبود کیفیت تصمیم گیری های درون سازمانی و برون سازمانی، افزایش سطح بازده ناشی از داد و ستد اوراق بهادار و بهبود ساختار سبد سرمایه گذاری افراد و گروههای مختلف است. به نظر می رسد که فرضیه اطلاعات بر فرضیه نظارت (مباشرت) همپوش است. چرا که بسیاری از اطلاعاتی که در قراردادهای نظارتی سودمند است، در انجام تصمیم گیریهای سرمایه گذاری نیز مفید واقع می شود. اما بر خلاف فرضیه نظارت که متکی بر امکان انعقاد قراردادهای صریح با نمایندگان است، در حوزه فرضیه اطلاعات صرف نظر از وجود یا نبود چنین امکانی، تنها بر ضرورت وجود اطلاعات مالی برای تعیین ارزش بازار واحد اقتصادی و دست یابی به ابزاری برای تصمیم گیری منطقی در عرصه سرمایه گذاری تاکید می شود. (امیر اصلانی، ۱۳۸۰)

برپایه فرضیه بیمه، استدلال می شود که تقاضا برای خدمات حسابرسی با میزان دعوی حقوقی که مدیران را تهدید می کند، رابطه مستقیم دارد. ادبیات حوزه های مالی، اقتصادی و حسابداری در ارتباط با منافع حاصل از اطلاعات، به طور مشترک به سه مورد زیر اشاره می کند: ۱. کاهش ریسک ۲. بهبود کیفیت تصمیم گیری ۳. دست یابی به بازده ناشی از داد و ستد اوراق بهادار. انتشار اطلاعات با کیفیت در بازار از دید سرمایه گذاران ارزشمند است زیرا آنان با استفاده از اطلاعات می توانند به سبد سرمایه گذاری ارجح دست یابند. در نتیجه استفاده از اطلاعات حسابرسی شده باعث کاهش عدم قطعیت حاکم بر بازار می شود و به اطلاعات اعتبار می بخشد و بستر مناسبی را برای دستیابی سرمایه گذاران به سبد سرمایه گذاری ارجح فراهم می کند و باعث بهبود تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری می شود. (والاس ۱۹۸۵)

حسابرسان نقش مهمی در نظارت بر عملکرد مدیر و محدود نمودن رفتارهای فرصت طلبانه او دارند. تا آنجا که مجامع علمی و حرفه ای وظیفه حسابرسی را اعتباردهی و اطمینان بخشی نسبت به گزارش های مالی و در نهایت ارتقا کیفیت اطلاعات حسابداری می دانند. آنها اطلاعات مالی حسابرسی شده را ابزاری برای کاهش مخاطره سرمایه گذاری بهبود کیفیت تصمیم گیری درون سازمانی و برون سازمانی، افزایش سطح بازده ناشی از داد و ستد اوراق بهادار و بهبود ساختار سبد سرمایه گذاری افراد و گروه های مختلف می شناسند (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین تحقیقات نشان می دهد واکنش سرمایه گذاران نسبت به گزارش مقبول بیشتر است (کولینان و همکاران ۲۰۱۲).

دی آنجلو (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را احتمال کشف و گزارش یک تحریف با اهمیت در صورت های مالی صاحب کار توسط حسابرس تعریف کرد. یک طیف از مطالعات تجربی و نظری نشان می دهند که اگر شرکت حسابرسی بزرگ باشد کیفیت حسابرسی بیشتری را تأمین می کند. پژوهش های تجربی نشان می دهد که مؤسسات حسابرسی بزرگ و مشهور انگیزه بیشتری برای انجام حسابرسی با کیفیت بالا و قیمت بالایی متناسب با آن دارند زیرا آنها ثروت بیشتری دارند. مطالعات تجربی به این نتیجه رسیده اند که مؤسسات حسابرسی بزرگ و دارای کیفیت حسابرسی بالا با دعوی قضایی کمتر، خطاهای حسابرسی کمتر، ضریب واکنش سود بالاتر، و اقلام تعهدی غیرمنتظره کمتر مواجه هستند.

از طرف دیگر تیتمن و ترومن (۱۹۸۶) بیان می کنند، کیفیت حسابرسی به عنوان صحت اطلاعات عرضه شده به استفاده کنندگان است. اطلاعاتی که توسط حسابرسان با

کیفیت بالا تایید می شود به سرمایه گذاران اجازه می دهد که ارزیابی دقیقتری از ارزش شرکت داشته باشند. مؤسسان شرکت های منتشر کننده سهام عرضه دو دسته هستند. مؤسسانی که شرکتهای حسابرسی با کیفیت بالا را انتخاب می کنند و آنهایی که موسسه حسابرسی با کیفیت پایین را انتخاب می کنند. از دید سرمایه گذاران مؤسسانی که حسابرسی با کیفیت بالا را انتخاب می کند چون مطلوبیت حاصل از مخابره اطلاعات صحیح برای آنها از هزینه حسابرسی بیشتر است، دست به این عمل می زنند اما شرکتهای گروه دوم برایشان انتخاب حسابرسی با کیفیت بالا به دلیل حق الزحمه بالا و همچنین نامطلوب بودن اطلاعات ارائه شده توسط این حسابرسان، مطلوبیت ندارد.

بر اساس استاندارد حسابرسی بخش ۷۰۰ ایران اظهار نظر حسابرسی به صورت الف) تعدیل نشده (مقبول و مقبول با بند تاکید بر مطلب خاص) و ب) اظهار نظر تعدیل شده (مشروط، مردود و عدم اظهار نظر) می باشند. بر اساس این استاندارد اگر شواهد حسابرسی کشف شده حسابرسی را به این نتیجه برساند که صورتهای مالی عاری از تحریف با اهمیت نیست یا حسابرسان قادر به جمع آوری کافی و مناسب برای دستیابی به مبنای اظهار نظر نباشند باید نظر خود را تعدیل نمایند.

با توجه به اینکه گزارش حسابرسی تعدیل شده از دید بازار به عنوان خبری بد نگریسته می شود ممکن است مدیریت نیز به واسطه این تعدیل اظهار نظر افشای صورتهای مالی را به تعویق بیناندازد (آقایی و بابایی، ۱۳۹۳). گزارش تعدیل شده حسابرسی می تواند باعث اقدامات هزینه بری بر علیه شرکت نظیر تعلیق معاملات اوراق بهادار یا بالا رفتن هزینه سرمایه شرکت شود. مدیران در مواجهه با اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده ممکن است فرایند مذاکره با حسابرسی را ادامه دهند که به نوبه خود باعث تاخیر در انتشار گزارش بد حسابرسی خواهد شد (هاو و همکاران، ۲۰۰۳).

محافظة کاری حسابرسان می تواند به صورت ترجیح حسابرسان برای انتخاب رویه های حسابداری کاهنده درآمد تعریف شده است (کیم و همکاران، ۲۰۰۳). در حسابرسی های دوگانه، اگر دو حسابرسی جریان رسیدگی را بر عهده داشته باشند، و امورات حسابرسی بصورت مستقل از یکدیگر اجرا شود، تنها عاملی که سبب تفاوت میان نتایج دو حسابرسی خواهد بود، تفاوت میان اصول حسابداری مجاز و مورد تایید می باشد (لین و همکاران، ۲۰۱۳). محافظه کاری حسابرسان انتخابهای حسابرسی است از دو منظر، نخست اینکه حسابرسی در فرآیند اجرا، رویه های نامطلوب اعم از کاهنده یا فزاینده

درآمد را بپذیرد، و در حله دوم و گام مهمتر، طبق تعریف دی آنجلو (۱۹۸)، کشفیات حسابرسی را افشا نکند. در واقع اظهار نظر نظر حسابرسان ابزار افشای اطلاعات کشف شده است. بطور معمول حسابرسان، در افشای اطلاعات و تحریف های کشف شده در جریان حسابرسی، همواره با این احتمال مواجه هستند که نتایج قابل گزارش را با مسامحه ارائه نمایند. این موضوع استقلال حسابرسان را مورد تردید قرار می دهد. لین و همکاران (۲۰۱۳) بر این باورند که جریان حسابرسی های دوگانه و پروژه های مشترک احتمال مسامحه طرفین قرارداد حسابرسی را می افزاید. بر اساس مدل تعدیل شده جونز سطوح اقلام تعهدی به عنوان معیاری برای محافظه کاری حسابداری تعیین شده و سطوح محافظه کاری زمانی مشاهده می شود که اقلام تعهدی مثبت کمتری یا اقلام تعهدی اختیاری منفی بیشتری ثبت شود. سطوح محافظه کاری حسابرسی، درجه و توان پذیرش موارد فوق در جریان حسابرسی است. این مهم به عنوان معیاری برای سنجش کیفیت حسابرسی نیز محسوب می شود. کیم و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که حسابرسان بزرگ نسبت به سایر حسابرسان که از نظر وسعت و اندازه کوچک هستند، در کشف مدیریت سود در مواردیکه مدیریت انتخابهای حسابداری فزاینده درآمد از طریق اقلام تعهدی را ترجیحی می دهند، اثربخش تر هستند. ژانگ (۲۰۰۶) سطوح کمتر از تغییرات در اقلام تعهدی غیر عادی را پیش از بحران ۲۰۰۲ مستند نموده و محافظه کاری حسابرسان موفق را کشف نمودند. در این میان ادبیات موجود نشان میدهد، این اقدام محافظه کارانه به دلایل مختلفی انجام می گیرد، که از آن جمله بقای کار، تداوم ارتباط، تامین منافع مالی و سیاسی احزاب. در پژوهش لین و همکاران، حسابرسی هایی که با دو تیم مشترک اجرا می شد، رویه های و رفتارهای محافظه کارانه حسابرسان را بهتر نشان داد. یک رابطه منفی بین سطوح اقلام تعهدی و نقش دوگانه در جریان حسابرسی وجود داشت.

فرانسیس و کریشنان (۱۹۹۹) رابطه میان گزارش موسسات حسابرسی به انتشار اظهار نظر های تعدیل شده و سطوح اقلام تعهدی را بررسی قرار دادند. آنها مدلی را در پژوهش خود توسعه دادند که تصمیم به انتشار گزارش تعدیل شده و افزایش احتمال گزارش تعدیل شده با سطوح (قدرمطلق) اقلام تعهدی را مستند نمودند. هرچند نتایج برای شرکتهای با سطوح اقلام تعهدی بالا و مثبت بسیار قوی بود. هنگامیکه شرکت ها با توجه به نوع حسابرسی، تفکیک می شوند، رابطه میان اقلام تعهدی و گرایش به انتشار گزارش های تعدیل شده محدود به حسابرسان بزرگ می شود. فرانسیس و کریشنان این را گواهی بر سطوح محافظه کاری حسابرسان در

این موضوع دارند که صدور گزارش مقبول بیشتر تحت تاثیر عواملی چون عملکرد مدیریت، تغییر مالکیت، خصوصی بودن موسسه حسابرسی، گزینش اظهار نظر و تغییر حسابرسی است.

ستایش و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی موضوع صدور گزارش حسابرسی با استفاده از داده کاوی پرداختند. ۴۱ متغیر به عنوان عوامل موثر بر نوع گزارش حسابرسی انتخاب شدند و پنج روش مختلف داده کاوی (شامل شبکه عصبی تابع پایه شعاعی، نیو بیز، درخت تصمیم گیری، پارت و رگرسیون لاجستیک) به کار برده شده اند. نتایج نشان داد که قدرت توضیح دهندگی رگرسیون لاجستیک در ارتباط با صدور نوع گزارش بیشتر از سایر روش های داده کاوی می باشد.

محمدرضائی و مهربانپور (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر رتبه موسسات معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار با نوع گزارش حسابرسی و تعداد بندهای حسابرسی پرداختند. نتایج نشان می دهد رابطه معناداری بین رتبه موسسات حسابرسی مذکور و صدور گزارش غیر مقبول حسابرسی وجود ندارد. به عبارت دیگر موسسات حسابرسی معتمد طبقه "الف" در مقایسه با موسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات گزارش غیر مقبول بیشتری صادر نمی کند. اما یافته ها نشان می دهد که تعداد بندهای حسابرسی قبل از بند اظهار نظر در گزارشات غیر مقبول حسابرسی برای موسسات حسابرسی طبقه "الف" بیشتر از موسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات است.

الستیر و همکاران (۲۰۱۱) به مطالعه این موضوع پرداختند که آیا می توان تفاوت کیفیت حسابرسی چهار موسسه بزرگ در مقابل چهار موسسه غیر بزرگ را به مشخصات صاحبکاران نسبت داد؟ در این بررسی از موضوعات کیفیت حسابرسی، اقلام تعهدی اختیاری، هزینه حقوق صاحبان سهام پیش بینی شده و صحت پیش بینی تحلیل گر استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که تفاوت در این موارد بین چهار موسسه بزرگ و چهار موسسه غیر بزرگ حسابرسان تا حد زیادی با خصوصیات صاحبکاران و به طور خاص با اندازه صاحبکار منطبق است.

نتایج پژوهش چان و همکاران (۲۰۱۲) حاکی از آن است که شرکت های کنترل شده توسط دولت های محلی در چین به احتمال بیشتری می توانند گزارش های حسابرسی دلخواه خودشان را از حسابرسی های محلی بگیرند زمانیکه شرکت های مذکور نیاز به سرمایه جدید دارند یا با تهدید اخراج از بورس روبرو می شوند.

گو و همکاران (۲۰۱۳) رابطه بین کنترل های داخلی و صدور گزارش مشروط عدم تدوام فعالیت توسط حسابرسان را

مقایسه با سایرین قلمداد می کنند. همچنین لینوکس (۱۹۹۹) توان موسسات بزرگ حسابرسی را در مقایسه با سایر موسسات نسبت به پیشبینی درماندگی مالی در انگلستان بررسی نمود. وی دریافت که تصمیم به انتشار گزارش تعدیل شده (در مقایسه با گزارش مقبول) بیشتر توان پیشبینی کنندگی برای درماندگی مالی صاحبکاران موسسات بزرگ را دارد. با این موجود نتایج بررسی ها نشان می دهد که هم هر دوتای اشتباهات نوع اول و دوم برای صاحبکاران موسسات حسابرسی کوچک کمتر است. سنجش محافظه کاری سود نیز شواهدی در زمینه حمایت از این موضوع که حسابرسان بزرگ محافظه کار تر هستند نسبت به سایرین را تایید می کند (لی و همکاران، ۲۰۰۲). باسو و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند که تغییرات منفی سود برای حسابرسی های بزرگ از ثبات بیشتری نسبت به سایر شرکت ها برخوردار است که این نیز نشان دهنده این است حسابرسان بزرگ محافظه کار تر هستند.

موضوع خصوصی سازی شرکت های دولتی پس از سال ۱۳۸۰ به منظور پیشرفت اقتصادی در کشور شدت بیشتری گرفت. هدف از خصوصی سازی انتقال سهام شرکت های و صنایع دولتی به مردم و بخش خصوصی بود. عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت های عرضه کنندگان اولیه سهام و فعالان بازارو دستکاری این اطلاعات توسط مدیریت می تواند آثار جبران ناپذیری مانند عدم اطمینان بخش خصوصی و عموم به بورس اوراق بهادار و ضرر زیان مالی آنها گردد. لذا سوالی که فکر بخش خصوصی در هنگام عرضه اولیه سهام را به خود مشغول می کند این است که آیا بازار سرمایه با نظارت بیشتر تلاش کرده است که ریسک اطلاعاتی (عدم تقارن اطلاعاتی) را به حداقل برساند؟ نظارت بیشتر سازمان بورس بر عرضه کنندگان اولیه سهام می تواند ریسک حسابرسی (دادخواهی علیه حسابرسی) را افزایش دهد. لذا حسابرسان ممکن است با تعدیل گزارش خود نسبت به موارد عدم توافق با مدیران شرکت های عرضه کننده اولیه سهام واکنش نشان می دهند. لذا هدف پژوهش حاضر بدنبال پاسخ دادن به این سوال است که حسابرسان نسبت به ریسک بالای خود در حسابرسی شرکت های عرضه کننده اولیه سهام چگونه عکس العمل نشان می دهند؟ در این راستا بر اساس فرضیه اطلاعات تلاش جامعه حسابداری بر این است که دامنه اطمینان بخشی از حرفه حسابرسی را افزایش دهد. تمرکز کیفی سازی حسابرسی و تمرکز بر خدمات با کیفیت توسط حسابرسان با کیفیت مورد علاقه مشارکت کنندگان بازار قرار گرفت.

بنی مهد (۱۳۹۰) به بررسی عوامل موثر بر اظهار نظر مقبول حسابرسی پرداخته است. یافته های پژوهش دلالت بر

یافته ها مبنی بر این است که میزان مدیریت سود در میان شرکت هایی که از یک متخصص استفاده می کنند به طور قابل توجهی پایین تر از شرکت هایی است که خدمات حسابرسی را از حسابرس غیر متخصص دریافت می کنند. علاوه بر این، از نتایج این تحقیق می توان دریافت که میزان مدیریت سود در بین شرکت هایی که حسابرسی متخصص ۴ شرکت بزرگ را به کار می گیرند نسبت به شرکت هایی که از خدمات حسابرسی غیر متخصص ۴ شرکت بزرگ استفاده می کنند، بسیار کمتر است.

وارسول کریم و همکاران (۲۰۱۳) تاثیر کیفیت حسابرسی و ساختار مالکیت بر درجه دقت و خطای سود پیش بینی شده در عرضه عمومی اولیه در بازار مرزی بنگلادش را بررسی کرده اند. آنها از دو آزمون یک و چند متغیره بر ۷۵ شرکت عرضه اولیه استفاده کرده اند. نتایج آنها نشان می دهد که به طور عمده میزان خطاهای پیش بینی سود را می توان با استفاده از عواملی از قبیل صادر کننده، اعتبار حسابرس، سرمایه‌ی سرمایه گذاران داخلی و خارجی تعیین کرد، و ریسک پذیر بودن یا نبودن سرمایه گذاری شرکت عرضه اولیه شناسایی کرد. همچنین، به نظر نمی رسد که عواملی نظیر اهرم مالی، عمومی بودن شرکت در جریان رونق بازار سهام و دوره پیش بینی در دقت سود پیش‌بینی شده موثر باشند.

محمد عبدالله عامر و احمد زالوکی (۲۰۱۷) به بررسی نقش تنوع جنسیتی حسابرسان در مدل سازی پیش بینی کیفیت مدیریت سود مدیریت عرضه‌ی اولیه سهام پرداختند. در این تحقیق ترکیب جنسیتی هیئت مدیره و کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مسائل مهم حکومتی مواجه با مدیریت و سهامداران سازمان ها در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش بیان می دارد که مدیران زن مجموعه ای از ویژگی های خاص را به هیئت مدیره معرفی می کنند که منجر به حمایت از سرمایه گذاران و نظارت موثر بر مدیریت می گردد. با توجه به یافته ها می توان گفت که بین کمیته حسابرسی و خطای پیش بینی سود رابطه‌ای مثبت و معنی دار وجود دارد که نشان می دهد که بالا بودن تعداد مدیران زن در کمیته حسابرسی می تواند اشتباهات بیشتر و دقت کمتر در پیش بینی سود را موجب شود.

فیلیپ جی لی و همکاران در سال (۲۰۰۶)، به سنجش رابطه بین دقت و صحت پیش بینی درآمد ارائه شده در پیش بینی سود شرکت های استرالیا در عرضه اولیه و کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج نشان می دهند که پیش بینی های انجام شده با حسابرس های ۶ شرکت بزرگ حسابرسی دقیق تر از آنهاست که مربوط به ۶ شرکت بزرگ حسابرسی نمی

بررسی کرده اند. یافته ها نشان می دهد که احتمال صدور گزارش مشروط باعدم تداوم فعالیت افزایش می یابد زمانیکه ضعف های عمده در کنترل های داخلی صاحبکار وجود دارد.

یافته های لیون و همکاران (۲۰۱۳) نشان می دهد پنج موسسه بزرگ حسابرسی برای تعداد زیادی از شرکت های اینترنتی که با مشکل مالی روبرو بودند و برای اولین بار برای مردم عرضه می شدند گزارش های مشروط باعدم تداوم فعالیت کمتری را صادر کرده اند. پژوهشگران این مشکل را به دلایل اقتصادی استقلال و تردید حرفه ای کم حسابرسان مرتبط دانسته اند.

تسیپوریدو و اسپتیس (۲۰۱۴) در تحقیقی ارتباط بین اظهار نظر حسابرسی و مدیریت سود را به عنوان مبنایی برای اعلام تعهدی اختیاری، برای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آتن بررسی کردند. نتایج نشان داد که مدیریت سود با اظهارنظرهای حسابرسی رابطه ندارد و ویژگی های مالی شرکتها و اندازه، عامل تعیین کننده ای برای تصمیم گیری حسابرسان از تداوم فعالیت است. اظهارنظر مشروط به دلایل دیگر با نوع اظهار نظر حسابرسی در سال قبل توضیح داده شده است.

گیگر و همکاران (۲۰۱۴) رابطه بین ورشکستگی صاحبکاران و صدور گزارش مشروط عدم تداوم فعالیت در زمان بحران مالی و اقتصادی جهانی را بررسی کرده اند. نتایج نشان می دهد که احتمال صدور گزارش مشروط عدم تداوم فعالیت قبل از ورشکستگی صاحبکار هنگام بحران مالی و اقتصادی بصورت عمده ای افزایش می یابد.

استفان فافاتاس و کوین جیالین سان (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین سهم بازار چهار شرکت بزرگ حسابرسی و هزینه حسابرسی در ۹ کشور شامل آرژانتین، برزیل، شیلی، هنگ کنگ، اسرائیل، کره، مکزیک، آفریقای جنوبی و تایوان پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که پس از کنترل عوامل دیگر موثر بر حق الزحمه حسابرسی، حسابرسان چهار شرکت بزرگ حسابرسی، حق الزحمه‌ای در حدود ۲۷ درصد بیش از شرکت های رقیب کسب می کنند.

روسمین (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین میزان مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در سنگاپور پرداخت. او با هدف جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه افراطی در میان مدیران شرکت ها به مطالعه مدیریت سود در جهت پاسخ به فشار فزاینده در میان سرمایه گذاران، سیاست گذاران و اصلاح طلبان حاکمیت شرکتی مربوط به مکانیسم ها پرداخته است. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می دهد که بین کیفیت حسابرسی و شاخص مدیریت سود رابطه‌ای منفی وجود دارد.

حسابرسی شده و یادداشت های توضیحی شرکت ها استخراج شده است.

جامعه آماری این پژوهش حاضر کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و نمونه مورد بررسی شامل کلیه عرضه های اولیه در دوره زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۵ می باشد. برای انتخاب نمونه این شرکت ها به صورت زیر انتخاب گردیده است:

۱) شرکت ها باید طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ سهام آنها برای اولین بار در بورس اوراق بهادار عرضه شده باشد.

۲) شرکت های واسطه گری و سرمایه گذاری از نمونه حذف می شود.

۳) اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای مورد نیاز پژوهش در مورد شرکتها در دسترس باشد.

با توجه به شرایط و محدودیت های فوق، از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۱۲۸ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شده است.

۴- فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: کیفیت حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام افزایش می یابد.

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام کاهش می یابد.

فرضیه سوم: کیفیت حسابرسی دوسال پس از عرضه اولیه سهام کاهش می یابد.

فرضیه چهارم: حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه رابطه معنی دار و مثبتی با حق الزحمه حسابرسی سال پس از عرضه اولیه دارد.

۴-۱- مدل های اصلی پژوهش و تعریف متغیرها

براساس تحقیقات قبلی (مانند چان و همکاران، ۲۰۰۶):

گل و همکاران، ۲۰۰۹) و با در نظر گرفتن ویژگیهای شرایط محیطی ایران برای آزمون فرضیه های تحقیق از مدل های رگرسیونی زیر استفاده شده است.

مدل فرضیه اول:

$$\text{AuditOpinion}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{IPO}_{it} + \beta_2 \text{Audit Tuner}_{it} + \beta_3 \text{LogAge}_{it} + \beta_4 \text{Conown}_{it} + \beta_5 \text{Sub}_{it} + \beta_6 \text{ROA}_{it} + \beta_7 \text{Salegrowth}_{it} + \beta_8 \text{Lev}_{it} + \beta_9 \text{FirmSize}_{it} + \beta_{10} \text{AudType}_{it} + \varepsilon_{it}$$

شوند، اگر چه این نتیجه با استفاده از معیارهای جایگزین صحت پیش بینی یکسان نمی ماند. همچنین مشخص شد که خطاهای پیش بینی با خوش بینی کمتر به حسابرسان ۶ شرکت بزرگ حسابرسی مربوط می شود، گرچه این نتیجه با مقیاس های جایگزین دوره های پیش بینی متفاوت است. این نتیجه تایید می کند که حسابرسان ۶ شرکت بزرگ حسابرسی محافظه کار تر از همتایان خود در ۶ شرکت کوچک هستند.

ابراهیم الذوبی (۲۰۱۸) این مقاله شواهد اولیه مربوط به رابطه بین کیفیت حسابرسی، تامین مالی بدهی، و مدیریت سود در اردن را ارائه می کند. نتایج نشان می دهد که کیفیت حسابرسی (حسابرسی، اندازه، تخصص و استقلال) و تامین مالی بدهی (بدهی کم) توانایی مدیریت سود را کاهش می دهد و این خود موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی می شود. همواره بدهی بالا ریسک مدیریت سود را افزایش می دهد.

سیروانو کوربلا و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با بهره گیری از اطلاعات کشور ایتالیا که چرخش موسسه حسابرسی در آن از سال ۱۹۷۵ تاکنون اجباری شده است، به بررسی برخی از معایب و مزایای چرخش موسسه حسابرسی پرداختند. در این پژوهش، آنها اطلاعات عمومی موجود در مورد نمونه بزرگ تری از شرکت های دولتی ایتالیا که در یک افق زمانی طولانی تر (۲۰۱۱-۱۹۹۸) توسط چهار موسسه بزرگ یا سایر مؤسسات حسابرسی (۱۵۸۳ مشاهده سال-موسسه) حسابرسی شده است را به صورت دستی گردآوری نمودند. نتایج آنها نشانگر این است که پس از چرخش موسسه حسابرسی، مجموع کل هزینه پرداختی به حسابرس جهت شرکت هایی که توسط چهار موسسه بزرگ حسابرسی شده بود کمتر و هزینه شرکت های دیگر که توسط سایر مؤسسات حسابرسی شده بود بیشتر بود. نتایج پژوهش آنها می تواند مورد علاقه قانون گذاران اروپا و آمریکا باشد که در حال حاضر یا اخیرا اجرای چرخش موسسه حسابرسی با هدف بهبود کیفیت گزارش های مالی را مدنظر داشته اند.

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. طرح پژوهش آن از نوع پژوهش های شبه تجربی و پس رویدادی است و با استفاده از اطلاعات تاریخی انجام می شود. برای گردآوری اطلاعات مبانی نظری پژوهش از نشریات، کتب و همچنین پایگاه های اطلاعاتی در دسترس استفاده شده است. همچنین، داده های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل، از نرم افزار های تدبیرپرداز، ره آورد نوین و اطلاعات صورت های مالی

مدل فرضیه دوم: $Subs = \text{متغیر ساختگی مساوی یک اگر صاحبکار شرکت فرعی دارد، در غیر اینصورت صفر.}$

$ROA = \text{نسبت بازده دارائیهها، سود تقسیم بر جمع کل دارائیهها.}$

$Salegrowth = \text{درصد تغییرات در فروش، تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل.}$

$Lev = \text{اهرم مالی، جمع کل بدهیها تقسیم بر جمع کل دارائیهها.}$

$Size Firm = \text{اندازه صاحبکار، لگاریتم طبیعی جمع کل دارائیههای صاحبکار.}$

$AudType = \text{متغیرساختگی مساوی یک اگر حسابرس سازمان حسابرسی باشد و در غیر این صورت مقدار آن صفر است.}$

$$AuditOpinion_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 IPO_{it} + \beta_2 AuditTuner_{it} + \beta_3 LogAge_{it} + \beta_4 Conown_{it} + \beta_5 Sub_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 Salegrowth_{it} + \beta_8 Lev_{it} + \beta_9 FirmSize_{it} + \beta_{10} AudType_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه سوم:

$$AuditOpinion_{it+2} = \beta_0 + \beta_1 IPO_{it} + \beta_2 AuditTuner_{it} + \beta_3 LogAge_{it} + \beta_4 Conown_{it} + \beta_5 Sub_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 Salegrowth_{it} + \beta_8 Lev_{it} + \beta_9 FirmSize_{it} + \beta_{10} AudType_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه چهارم:

$$AuditFee_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 IPOAUDITFEE_{it} + \beta_2 AuditTuner_{it} + \beta_3 LogAge_{it} + \beta_4 Conown_{it} + \beta_5 Sub_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 Salegrowth_{it} + \beta_8 Lev_{it} + \beta_9 FirmSize_{it} + \beta_{10} AudType_{it} + \varepsilon_{it}$$

۵- یافته های پژوهش

۱-۵- آمار توصیفی

در جدول (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. نتایج نشان می دهد که در شرکت های مورد بررسی میانگین اهرم مالی ۰.۶۱۴ می باشد که نشان دهنده این است که تقریباً ۶۱.۴٪ منابع مالی شرکت ها از طریق بدهی تأمین مالی شده است. میانگین بازده دارایی ها در شرکت های مورد بررسی، ۰.۱۰۴٪ می باشد که با توجه به انحراف معیار (۰.۱۱۵٪) از نوسان پذیری نسبتاً بالایی برخوردار است. میانگین نوع حسابرس ۰.۲۴۵ می باشد که نشان دهنده این است که در ۲۴.۵٪ شرکت ها حسابرس مستقل شرکت، سازمان حسابرسی می باشد.

متغیرهای بکار رفته در مدل ها به شرح زیر تعریف می شوند:

$Audopn = \text{متغیر ساختگی مساوی یک اگر گزارش حسابرس مقبول باشد و صفر اگر گزارش حسابرس غیر مقبول باشد.}$

$IPO = \text{متغیرساختگی سال اول ورود شرکت به بورس با مقدار یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر است.}$

$AuditTuner = \text{مدت تصدی حسابرس}$

$LogAge = \text{لگاریتم طبیعی سن صاحبکار.}$

$AuditorSize = \text{جمع دارایی های صاحبکاران در یک صنعت}$

$Conown = \text{تمرکز مالکیت، درصدی از سهام عادی صاحبکار که متعلق است به بزرگترین سهامدار.}$

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	حداقل	حداکثر	میانه	میانگین	تعداد مشاهدات	نماد	نام متغیر
0.495	0	1	0	0.428	1408	AuditOpinion	اظهارنظر حسابرس
1.284	3.169	9.263	5.672	5.742	1408	AuditFeet	حق الزحمه حسابرسی
0.288	0	1	0	0.091	1408	IPO	عرضه اولیه سهام
0.430	0	1	0	0.245	1408	AudType	نوع حسابرس
2.169	1	11	3	3.219	1408	AuditTuner	دوره تصدی حسابرس
0.408	2.079	4.174	3.664	3.537	1408	LogAge	سن شرکت
22.036	4	99	51	50.855	1408	Conown	تمرکز مالکیت
0.471	0	1	0	0.332	1408	Sub	شرکت فرعی
0.115	-0.102	0.355	0.089	0.104	1408	ROA	بازده دارایی ها
0.283	-0.328	0.798	0.142	0.163	1408	Salegrowth	رشد فروش
0.192	0.259	0.952	0.629	0.614	1408	Lev	اهرم مالی
1.373	9.879	19.066	13.671	13.809	1408	FirmSize	اندازه شرکت

مأخذ: یافته های تحقیق

۲-۵- ثابت بودن واریانس جمله خطا (باقیمانده ها)

یکی دیگر از فروض رگرسیون خطی این است که، تمامی جملات باقیمانده دارای واریانس برابر باشند. در عمل ممکن است این فرض چندان صادق نبوده و به دلایل مختلفی از قبیل: شکل نادرست تابع مدل، وجود نقاط پرت، شکست ساختاری در جامعه آماری، و ... شاهد پدیده ناهمسانی واریانس باشیم. برای بررسی این مشکل آزمون های مختلفی توسط اقتصاددانان معرفی شده است. در این مطالعه فرض همسانی واریانس باقیمانده ها از طریق آزمون وایت^۱ مورد بررسی قرار گرفت. که نتایج آن در جدول (۲) نشان می دهد که در کلیه مدل ها فرض صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد می شود. بنابراین، به منظور رفع ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می کنیم.

جدول ۲- نتایج حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس

جمله خطا

مدل	آماره F	احتمال	نتیجه
اول	1.9964	0.0000	ناهمسانی واریانس جزء خطا
دوم	1.9146	0.0000	ناهمسانی واریانس جزء خطا
سوم	1.7992	0.0000	ناهمسانی واریانس جزء خطا
چهارم	1.6053	0.0000	ناهمسانی واریانس جزء خطا

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون عدم وجود خود

همبستگی جزء خطا

مدل	آماره F	احتمال	نتیجه
اول	1.3077	0.2723	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
دوم	0.6332	0.5327	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
سوم	0.5484	0.5793	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
چهارم	1.0717	0.3457	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا

مأخذ: یافته های تحقیق

۴-۵- بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

با توجه به جدول (۴) بر اساس آزمون «لوین، لین و چو»^۲ چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از ۵٪ بوده است، همه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح پایا^۳ بوده اند پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال های مختلف ثابت بوده است. همانگونه که در جدول (۱۰) ملاحظه می شود همه متغیرها مانا هستند و نیازی به آزمون هم جمعی^۴ وجود ندارد. بنابراین مشکل رگرسیون کاذب در ضرایب برآوردی وجود نخواهد داشت در رگرسیون کاذب معنی دار ضرایب به صورت کاذب است.

جدول ۴- نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نتایج	لوین، لین و چو		نماد	متغیرها
	احتمال	آماره		
مانا	0.0000	-6.058	AuditOpinion	اظهاری نظر حسابر
مانا	0.0000	-7.734	AuditFeet	حق الزحمه حسابرسی
مانا	0.0000	-5.692	IPO	عرضه اولیه سهام
مانا	0.0000	-4.452	AudType	نوع حسابر
مانا	0.0000	-20.108	AuditTuner	دوره تصدی حسابر
مانا	0.0000	-97.726	LogAge	سن شرکت
مانا	0.0000	-265.17	Conown	تمرکز مالکیت
مانا	0.0000	-4.108	Sub	شرکت فرعی
مانا	0.0000	-16.652	ROA	بازده دارایی ها
مانا	0.0000	-26.981	Salegrowth	رشد فروش
مانا	0.0000	-9.126	Lev	اهرم مالی
مانا	0.0003	-3.446	FirmSize	اندازه شرکت

مأخذ: یافته های تحقیق

۵-۶- نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: کیفیت حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام افزایش می یابد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۱۱) بهره گرفته شده است. نتایج ارائه شده

۳-۵- عدم وجود خودهمبستگی جمله خطا (باقیمانده ها)

این فرض مدل کلاسیک رگرسیون خطی بیان می دارد که بین جملات باقیمانده رگرسیون، همبستگی وجود نداشته باشد. برای بررسی استقلال باقیمانده ها از آزمون خود همبستگی سریالی بروش-گادفری استفاده شده است. در این آزمون فرض صفر بیانگر عدم وجود خودهمبستگی می باشد و فرض مقابل بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی بین خطاها می باشد. نتایج حاصل از آزمون نشان می دهد که با توجه به اینکه در سطح اطمینان ۹۵٪ مقدار احتمال آماره F در هر چهار مدل بیشتر از ۵٪ می باشد فرض صفر مبنی بر عدم وجود خود همبستگی جزء خطا در کلیه مدل های پژوهش پذیرفته می شود به عبارت دیگر، فرض عدم وجود خود همبستگی جزء خطا در کلیه مدل های پژوهش پژوهش برقرار است.

تمرکز مالکیت بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارند در حالی که، اندازه شرکت بر کیفیت حسابرسی تأثیر منفی و معناداری دارد. بنابراین می توان گفت کیفیت حسابرسی در صورتی که توسط سازمان حسابرسی انجام شده باشند بالاتر از حالتی است که سایر موسسات حسابرسی اینکار را انجام داده باشند. همچنین نتایج نشان می دهند که دوره تصدی طولانی تر حسابرس موجب افزایش کیفیت حسابرسی می شود از اینرو می توان چنین نتیجه گیری کرد که انجام عملیات حسابرسی صاحب کار توسط یک مؤسسه طی سال های متمادی می تواند موجب افزایش شناخت و تخصص حسابرس در صنعت صاحب کار مربوطه شده و موجب بالا رفتن سطح کیفیت کار حسابرس می شود. همچنین نتایج ما نشان داد که افزایش درصد تمرکز مالکیت و سهام در دست مالکان نهادی، احتمال انتخاب حسابرسی با کیفیت را افزایش می دهد. در حالی که، اندازه شرکت بر کیفیت حسابرسی تأثیر منفی و معناداری دارد. این موضوع نشان می دهد که شرکت های بزرگ با وجود اینکه در معرض توجه و بررسی بیشتری قرار دارند، اما انگیزه ی کمتری نسبت به شرکت های کوچک تر برای افزایش کیفیت حسابرسی خود در عرضه های اولیه و از بین بردن عدم تقارن اطلاعاتی موجود دارند .

نشان می دهد که، مقدار آماره نسبت راستنمایی (آماره LR) برابر ۱۷۶,۷۱۹ در سطح اطمینان ۹۵٪ بیانگر معناداری کلی مدل تحقیق است، نتایج مربوط به ضریب تعیین مک فادن نشان می دهد، تقریباً ۹,۱۹٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. در حالت کلی با توجه به جدول (۱۱) نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر عرضه اولیه سهام، 0.528404 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت عرضه اولیه سهام بر کیفیت حسابرسی (اظهار نظر حسابرسی) می باشد که با توجه به آماره z ضریب متغیر عرضه اولیه سهام در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، به عبارت دیگر می توان گفت که عرضه اولیه سهام بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، کیفیت حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام افزایش می یابد و به دلیل وجود عواملی همچون ریسک دادخواهی بالا، ممکن است حسابرسان گزارش غیر مقبول بیشتری برای عرضه کنندگان اولیه سهام در بازار بورس صادر کنند. با توجه به موارد فوق می توان، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه اول پژوهش را تأیید شده تلقی نمود. این یافته ها با نتایج پژوهش انجام شده توسط چن و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نیز نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، نوع حسابرس، دوره تصدی حسابرس و

جدول ۸- نتایج تخمین مدل اول پژوهش

متغیر وابسته: اظهار نظر حسابرسی در سال جاری - روش تخمین: رگرسیون لجوجیت					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره z	احتمال
مقدار ثابت	C	-1.656005	0.949853	-1.743432	0.0813
عرضه اولیه سهام	IPO _{it}	0.528404	0.209358	2.523922	0.0120
نوع حسابرسی	AudType _{it}	0.450545	0.222320	2.026562	0.0433
دوره تصدی حسابرسی	AuditTuner _{it}	0.379393	0.176991	2.143572	0.0326
سن شرکت	LogAge _{it}	0.161588	0.153665	1.051560	0.2930
تمرکز مالکیت	Conown _{it}	0.023969	0.002835	8.453638	0.0000
شرکت فرعی	Sub _{it}	-0.055704	0.124876	-0.446077	0.6555
بازده دارایی ها	ROA _{it}	0.079434	0.805933	0.098562	0.9215
رشد فروش	Salegrowth _{it}	0.290751	0.226597	1.283117	0.1995
اهرم مالی	Lev _{it}	0.409128	0.465243	0.879386	0.3792
اندازه شرکت	FirmSize _{it}	-0.110207	0.053053	-2.077316	0.0378
اثرات ثابت سال		در نظر گرفته شده است			
اثرات ثابت صنعت		در نظر گرفته شده است			
ضریب تعیین مک فادن		9.19%			
آماره LR		176.719			
احتمال (آماره LR)		0.0000			

مأخذ: یافته های تحقیق

تأیید کرد. این یافته ها با نتایج پژوهش انجام شده توسط چن و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نیز نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، نوع حسابرسی، تمرکز مالکیت، شرکت فرعی و اهرم مالی بر کیفیت حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام تأثیر مثبت و معناداری دارند در حالی که، اندازه شرکت بر کیفیت حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام تأثیر منفی و معناداری دارد. بنابراین نتایج حاکی از این است که کیفیت حسابرسی در سال بعد از عرضه اولیه کاهش نیافته است. هم چنین نتایج حاصله حاکی از این هستند که اهرم مالی بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبتی دارد و البته این امر را می توان تا حدودی به دلیل سازوکار و مک آنیزم حاکم بر پرداخت وام و اعتبار توسط سیستم بانکی از طریق تاکید بر اخذ وثیقه به جای تاکید بر تحلیل صورت های مالی دانست. هم چنین شرکت ها به دلیل افزایش اهرم مالی و بالارفتن ریسک مالی خود نمی توانند بیش از اندازه از طریق بدهی تامین مالی کنند. بنابراین وجود این محدودیت ها می تواند توجیهی برای افزایش کیفیت حسابرسی باشد.

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام کاهش می یابد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۱۲) بهره گرفته شده است. نتایج ارائه شده نشان می دهد که، مقدار آماره نسبت راستنمایی (آماره LR) برابر ۱۶۹،۶۴۰ در سطح اطمینان ۹۵٪ بیانگر معناداری کلی مدل تحقیق است، نتایج مربوط به ضریب تعیین مک فادن نشان می دهد، تقریباً ۹،۷۳٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند.

در حالت کلی با توجه به جدول (۱۲) نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر عرضه اولیه سهام، ۰.۴۷۵۸۴۶ بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت عرضه اولیه سهام بر کیفیت حسابرسی (اظهارنظر حسابرسی) در سال پس از عرضه اولیه سهام می باشد ولی با توجه به آماره z ضریب متغیر عرضه اولیه سهام در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار نمی باشد، به عبارت دیگر می توان گفت که عرضه اولیه سهام بر کیفیت حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام تأثیر معناداری ندارد. با توجه به موارد فوق نمی توان، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه دوم پژوهش را

جدول ۹- نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر وابسته: اظهار نظر حسابرسی در سال آتی - روش تخمین: رگرسیون لجوجیت					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره z	احتمال
مقدار ثابت	C	-1.655133	1.011268	-1.636690	0.1017
عرضه اولیه سهام	IPO _{it}	0.475846	0.333557	1.426580	0.1537
نوع حسابرسی	AudType _{it}	0.213249	0.077663	2.745813	0.0063
دوره تصدی حسابرسی	AuditTuner _{it}	0.070503	0.039653	1.778005	0.0754
سن شرکت	LogAge _{it}	0.217343	0.161873	1.342676	0.1794
تمرکز مالکیت	Conown _{it}	0.023055	0.003013	7.652165	0.0000
شرکت فرعی	Sub _{it}	0.604562	0.240433	2.514476	0.0123
بازده دارایی ها	ROA _{it}	-0.048385	0.855036	-0.056589	0.9549
رشد فروش	Salegrowth _{it}	0.128879	0.241990	0.532579	0.5943
اهرم مالی	Lev _{it}	0.830683	0.230471	3.604281	0.0003
اندازه شرکت	FirmSize _{it}	-0.130096	0.056328	-2.309609	0.0209
اثرات ثابت سال		در نظر گرفته شده است			
اثرات ثابت صنعت		در نظر گرفته شده است			
ضریب تعیین مک فادن		9.73%			
آماره LR		169.640			
احتمال (آماره LR)		0.0000			

مأخذ: یافته های تحقیق

سهام می باشد ولی با توجه به آماره z ضریب متغیر عرضه اولیه سهام در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار نمی باشد، به عبارت دیگر می توان گفت که عرضه اولیه سهام بر کیفیت حسابرسی در دو سال پس از عرضه اولیه سهام تأثیر معناداری ندارد. با توجه به موارد فوق نمی توان، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه سوم پژوهش را تأیید کرد. این یافته ها با نتایج پژوهش انجام شده توسط چن و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نیز نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، نوع حسابرس، دوره تصدی حسابرس و تمرکز مالکیت بر کیفیت حسابرسی در دو سال پس از عرضه اولیه سهام تأثیر مثبت و معناداری دارند در حالی که، اندازه شرکت بر کیفیت حسابرسی در دو سال پس از عرضه اولیه سهام تأثیر منفی و معناداری دارد.

فرضیه سوم: کیفیت حسابرسی دو سال پس از عرضه اولیه سهام کاهش می یابد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۱۳) بهره گرفته شده است. نتایج ارائه شده نشان می دهد که، مقدار آماره نسبت راستنمایی (آماره LR) برابر ۱۴۷,۶۵۹ در سطح اطمینان ۹۵٪ بیانگر معناداری کلی مدل تحقیق است، نتایج مربوط به ضریب تعیین مک فادن نشان می دهد، تقریباً ۹,۴۱٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند.

در حالت کلی با توجه به جدول (۱۳) نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر عرضه اولیه سهام، -0.258373 بوده که نشان دهنده تأثیر منفی عرضه اولیه سهام بر کیفیت حسابرسی (اظهارنظر حسابرس) در دو سال پس از عرضه اولیه

جدول ۱۰- نتایج تخمین مدل سوم پژوهش

متغیر وابسته: اظهارنظر حسابرس در دو سال آتی - روش تخمین: رگرسیون لجوجیت					
احتمال	آماره z	خطای استاندارد	ضریب برآوردی	نماد	متغیر
0.2507	-1.148738	1.067160	-1.225887	C	مقدار ثابت
0.3459	-0.943498	0.273845	-0.258373	IPO _{it}	عرضه اولیه سهام
0.0002	3.770223	0.105409	0.397415	AudType _{it}	نوع حسابرس
0.0039	2.903761	0.099235	0.288155	AuditTuner _{it}	دوره تصدی حسابرس
0.1272	1.525170	0.168315	0.256709	LogAge _{it}	سن شرکت
0.0000	6.386369	0.003156	0.020156	Conown _{it}	تمرکز مالکیت
0.6598	-0.440189	0.136999	-0.060306	Sub _{it}	شرکت فرعی
0.7854	0.272305	0.922249	0.251133	ROA _{it}	بازده دارایی ها
0.6522	-0.450696	0.258353	-0.116439	Salegrowth _{it}	رشد فروش
0.3684	0.899390	0.515498	0.463634	Lev _{it}	اهرم مالی
0.0065	-2.719459	0.060393	-0.164237	FirmSize _{it}	اندازه شرکت
			در نظر گرفته شده است		اثرات ثابت سال
			در نظر گرفته شده است		اثرات ثابت صنعت
			9.41%		ضریب تعیین مک فادن
			147.659		آماره LR
			0.0000		احتمال (آماره LR)

مأخذ: یافته های تحقیق

۰,۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۲,۰۰۷ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می

فرضیه چهارم: حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه رابطه معنی دار و مثبتی با حق الزحمه حسابرسی سال پس از عرضه اولیه دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۱۴) بهره گرفته شده است. نتایج ارائه شده نشان می دهد که، مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر

پژوهش انجام شده توسط چن و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نیز نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، نوع حسابرسی و اندازه شرکت بر حق الزحمه حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام تأثیر مثبت و معناداری دارند در حالی که، دوره تصدی حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام تأثیر منفی و معناداری دارد. نتایج ما نشان میدهند شرکتهای هنگامیکه حسابرسی شان به وسیله شرکتهای حسابرسی بزرگ و با کیفیت بالا انجام میشود با حق الزحمه حسابرسی بالائی روبرو می شوند. همچنین می توان چنین نتیجه گیری کرد که وقتی انجام عملیات حسابرسی صاحب کار توسط یک مؤسسه طی سال های متمادی انجام شود، در سال پس از عرضه اولیه حسابرسی خواهان حق الزحمه بیشتری نیست.

دهد، تقریباً ۴۶٫۹۸٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام، 0.288155 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام بر حق الزحمه حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، به عبارت دیگر می توان گفت که حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه رابطه معنی دار و مثبتی با حق الزحمه حسابرسی سال پس از عرضه اولیه دارد. با توجه به موارد فوق، در سطح اطمینان ۹۵٪ می توان فرضیه چهارم پژوهش را تأیید کرد. این یافته ها با نتایج

جدول ۱۱- نتایج تخمین مدل چهارم پژوهش

متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی در سال آتی - روش تخمین: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	C	-0.300787	0.150736	-1.995452	0.0462
حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام	IPOAUDITFEE _{it}	0.288155	0.099235	2.903761	0.0039
نوع حسابرسی	AudType _{it}	0.030600	0.010734	2.850601	0.0046
دوره تصدی حسابرسی	AuditTuner _{it}	-0.032858	0.008798	-3.734782	0.0002
سن شرکت	LogAge _{it}	-0.019639	0.007465	-2.630886	0.0088
تمرکز مالکیت	Conown _{it}	0.000334	0.000254	1.312672	0.1895
شرکت فرعی	Sub _{it}	-0.012608	0.008338	-1.512238	0.1312
بازده دارایی ها	ROA _{it}	0.081900	0.081850	1.000618	0.3172
رشد فروش	Salegrowth _{it}	0.024904	0.026946	0.924221	0.3556
اهرم مالی	Lev _{it}	0.083423	0.047200	1.767442	0.0774
اندازه شرکت	FirmSize _{it}	0.068442	0.014811	4.620922	0.0000
اثرات ثابت سال	در نظر گرفته شده است				
اثرات ثابت صنعت	در نظر گرفته شده است				
ضریب تعیین تعدیل شده	46.98%				
دوربین-واتسون	2.007				
آماره F	128.320				
احتمال (آماره F)	0.0000				

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول ۱۲- خلاصه نتایج فرضیه های پژوهش

فرضیه تحقیق	شرح فرضیه	رد یا تأیید فرضیه
فرضیه اول	کیفیت حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام افزایش می یابد.	تأیید فرضیه
فرضیه دوم	کیفیت حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام کاهش می یابد.	رد فرضیه
فرضیه سوم	کیفیت حسابرسی دوسال پس از عرضه اولیه سهام کاهش می یابد.	رد فرضیه
فرضیه چهارم	حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه رابطه معنی دار و مثبتی با حق الزحمه حسابرسی سال پس از عرضه اولیه دارد.	تأیید فرضیه

مأخذ: یافته های تحقیق

۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

نگرش های محافظه کارانه حسابرسان در ارائه نظر در راستای موضوع استقلال حسابرسی می تواند نکته قابل تاملی در عملکرد حسابرسی باشد. عوامل متعددی بر صدور گزارش مقبول حسابرسان موثر است که از جمله عرضه اولیه سهام می باشد زیرا این تلاش بالقوه برای بازاریابی حسابرسی و به تصویر کشیدن مطلوبیت خدمات حسابرسی در جهت اهدافی همچون اعتباربخشی و اعتماد سازی برقرار است. اما سوال مهمی وجود دارد این که آیا ثبات رفتاری در خصوص نظارت موثر بر بازار خدمات حسابرسی غیر از عرضه اولیه نیز برقرار است؟ اینکه عکس العمل حسابرسان در سال های پس از عرضه اولیه حسابرسی چگونه است؟ آیا این رفتار ثابت در تدوین گزارش های حسابرسی با در نظر داشتن نظارت موثر همچنان وجود دارد یا اینکه تنها یک حرکت محافظه کارانه است که بازار بصورت نامحسوس شاهد آن است. با توجه به بالا بودن عدم تقارن اطلاعاتی در عرضه اولیه سهام، مدیریت شرکت های در معرض عرضه اولیه، با مدیریت سود افزایشی در تلاش برای ارائه تصویری مطلوب تر از شرکت می باشند و به تبع آن انتظار بر این است بازار سرمایه در فرآیند عرضه اولیه با دقت بیشتری شرکت های مشمول عرضه اولیه را مورد توجه قرار دهد و در نتیجه موسسات حسابرسی معتمد نیز در تلاش مضاعف برای یک نظارت کارا بر فرآیند گزارش دهی برای شرکت های بورسی باشند. لذا، هدف پژوهش حاضر تبیین ارتباط عرضه اولیه سهام با کیفیت حسابرسی (اظهارنظر حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی) می باشد. به منظور نیل به این هدف ۱۴۰۸ سال-شرکت (۱۲۸ شرکت برای یازده سال) مشاهده جمع آوری شده از گزارشات مالی سالیانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ مورد آزمون قرار گرفته اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که کیفیت حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام افزایش می یابد و حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه رابطه معنی دار و مثبتی با حق الزحمه حسابرسی سال پس از

عرضه اولیه دارد. در حالی که، کیفیت حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام و دو سال پس عرضه اولیه سهام با کیفیت حسابرسی سال عرضه اولیه سهام تفاوت معناداری ندارد. این یافته ها با نتایج پژوهش انجام شده توسط چن و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد. بنابراین می توان گفت کیفیت حسابرسی در صورتی که توسط سازمان حسابرسی انجام شده باشند بالاتر از حالتی است که سایر موسسات حسابرسی اینکار را انجام داده باشند. همچنین نتایج نشان می دهند که دوره تصدی طولانی تر حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی می شود از اینرو می توان چنین نتیجه گیری کرد که انجام عملیات حسابرسی صاحب کار توسط یک مؤسسه طی سال های متعددی می تواند موجب افزایش شناخت و تخصص حسابرسی در صنعت صاحب کار مربوطه شده و موجب بالا رفتن سطح کیفیت کار حسابرسی می شود. همچنین نتایج ما نشان داد که افزایش درصد تمرکز مالکیت و سهام در دست مالکان نهادی، احتمال انتخاب حسابرسی با کیفیت را افزایش می دهد. در حالی که، اندازه شرکت بر کیفیت حسابرسی تأثیر منفی و معناداری دارد. این موضوع نشان می دهد که شرکت های بزرگ با وجود اینکه در معرض توجه و بررسی بیشتری قرار دارند، اما انگیزه کمی کمتری نسبت به شرکت های کوچک تر برای افزایش کیفیت حسابرسی خود در عرضه های اولیه و از بین بردن عدم تقارن اطلاعاتی موجود دارند. هم چنین نتایج حاصله حاکی از این هستند که اهرم مالی بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبتی دارد و البته این امر را می توان تا حدودی به دلیل سازوکار و مک انیزم حاکم بر پرداخت وام و اعتبار توسط سیستم بانکی از طریق تاکید بر اخذ وثیقه به جای تاکید بر تحلیل صورت های مالی دانست. به عبارت دیگر در عرضه اولیه از آن جایی که سهام جهت ارائه به خریداران برای نخستین بار قیمت گذاری می شود، لذا شرکت ها تمایل دارند به منظور افزایش میزان اعتماد سرمایه-گذاران و همچنین نشان دادن ارزش واقعی شرکت در قیمت سهام، از شرکت های بزرگ حسابرسی استفاده کنند.

سرمایه گذاران است نتایج این پژوهش می تواند سرمایه گذاران را در اتخاذ تصمیمات اثربخش و کارآمد یاری می کند. و در نتیجه باعث افزایش سطح کارآیی بازار در بلندمدت می گردد. برای نهادهای نظارتی و تدوین کنندگان قوانین و استانداردها مسئله سود و کیفیت حسابرسی همواره در کانون توجه بوده است یافته های این پژوهش می تواند رهنمود های لازم را در زمینه تدوین قوانین و استاندارد ارائه دهد. نتایج این پژوهش همچنین می تواند حسابرسان را در زمینه گردآوری شواهد و ارزیابی شواهد یاری کند.

در نهایت، به منظور انجام پژوهش های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می شود:

- الف- بررسی ارتباط عرضه اولیه سهام با کیفیت سود و کیفیت حسابرسی در شرایط رکود تورمی
- ب- بررسی ارتباط عرضه اولیه سهام با کیفیت سود و کیفیت حسابرسی با تأکید بر راهبری شرکتی
- ج- بررسی تأثیر کیفیت سود و کیفیت حسابرسی بر بیش ارزشیابی قیمت سهام در عرضه اولیه

۷- فهرست منابع

- * آقایی، محمدعلی و ساسان بابایی، (۱۳۹۳)، رابطه بین تعدیل اظهارنظر حسابرسان و زمان بندی افشای اطلاعات، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۲، صص. ۲۹-۱.
- * ابراهیمی کردلر، علی و الهام حسنی آذر داریانی، (۱۳۸۵)، بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام عموم در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵، صص. ۲۳-۳.
- * امیر اصلانی، حامی، (۱۳۸۰)، نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت، چاپ دوم، سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۱۵۹.
- * برزگری خانقاه، جمال و مصیب اکرمی، (۱۳۹۳)، رفتارشناسی کیفیت حسابرسی بر ارزش گذاری سهام، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۱۸.
- * بنی مهد، بهمین (۱۳۹۰)، بررسی تاثیرگذار بر اظهارنظر مقبول حسابرسان، فصلنامه علمی پژوهشی بورس و اوراق بهادار، شماره ۱۳، صص. ۸۳-۵۹.

حسابرسان با کیفیت، اطلاعات دقیقی را در مورد ارزش شرکت ارائه می دهند و با نقش آگاهی دهندگی خود باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات در عرضه های اولیه سهام می شوند. به علاوه کیفیت حسابرسی به واسطه گزارش مقبول حسابرسان بزرگ نسبت به صورت های مالی شرکت، منجر به اعتماد بیش تر خریداران نسبت به شرکت و افزایش سرمایه گذاری از طریق خرید سهام در عرضه اولیه می گردد. همچنین از آنجایی که شرکت ها تا مدتی پس از عرضه اولیه سهام به دنبال تثبیت ارزش شرکت خود هستند لذا به حضور شرکت های بزرگ و معتبر حسابرسی نیاز دارند. به همین منظور شرکت های بزرگ حسابرسی به دلیل شهرت زیاد و برخورداری از حسابرسان با تجربه و با دانش کافی و همچنین انجام کار با کیفیت بالا، حق الزحمه بیشتری را مطالبه می کنند. به همین دلیل ممکن است در سال های پس از عرضه اولیه سهام، خریداران و سرمایه گذاران به شناخت کافی از ارزش سهام دست یافته اند لذا حسابرسان بزرگ نقش موثری در سال های پس از عرضه اولیه نداشته باشند.

با تکیه بر نتایج آزمون فرضیه های پژوهش حاضر پیشنهاد های ذیل ارائه می شود:

الف- یافته های پژوهش در زمینه ارتباط عرضه اولیه سهام با کیفیت حسابرسی نشان می دهد که کیفیت حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام افزایش می یابد در حالی که کیفیت حسابرسی در سال پس از عرضه اولیه سهام و دو سال پس از عرضه اولیه سهام تفاوت معناداری با کیفیت حسابرسی در سال عرضه اولیه سهام ندارد. در همین راستا به سرمایه گذاران، تحلیلگران و سایر مشارکت کنندگان در بازار سرمایه پیشنهاد می شود به منظور تعیین ریسک و بازده مورد انتظار و تصمیم گیری اثربخش در زمینه خرید فروش سهام یافته های این پژوهش را مدنظر قرار دهند.

ب- یافته های پژوهش در زمینه ارتباط عرضه اولیه سهام با حق الزحمه حسابرسی نشان می دهد که حق الزحمه حسابرسی در سال عرضه اولیه رابطه معنی دار و مثبتی با حق الزحمه حسابرسی سال پس از عرضه اولیه دارد. در همین راستا به موسسات حسابرسی و حسابرسان پیشنهاد می شود به منظور تعیین حق الزحمه حسابرسی و انجام حسابرسی با کیفیت بالا یافته های این پژوهش را مدنظر قرار دهند.

د- در حالت کلی با توجه به اینکه سود و کیفیت حسابرسی یکی از متغیرهای کلیدی در تصمیمات

- Accounting, Incorporating Advances in International Accounting, 25(2): 125-135.
- * *. Basu, S., Lee-Seok Hwang and Ching-Lih Jan, (2001), Differences in Conservatism between Big Eight and non-Big Eight Auditors, working paper, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2428836>
- * *. Beatty, R. P., (1989), Auditor Reputation and the Pricing of Initial Public Offerings, The Accounting Review, 64(4): 693-709.
- * *. Beatty, R. P. and Jay R. Ritter, (1986), Investment banking, reputation, and the underpricing of initial public offerings, Journal of Financial Economics, 15(1-2): 213-232.
- * *. Brown, P. (and others), (2000), The Accuracy of Management Dividend Forecasts in Australia, Pacific Basin Finance Journal, 8(3-4): 309-331.
- * *. Chan, K. H., Kenny Z. Lin and Ray R. Wang, (2012), Government ownership, accounting based regulations, and the pursuit of favorable audit opinions: evidence from China, Auditing: A Journal of Practice & Theory, 31(4): 47-64.
- * *. Chang, X. (and others), (2008), Audit Quality, Auditor Compensation and Initial Public Offering Under pricing, Accounting and Finance, 48(3): 391-416.
- * *. Chang, S. C., T. Y. Chung and W. C. Lin, (2010), Underwriter Reputation, Earnings Management and the Long-run Performance of Initial Public Offerings, Accounting and Finance, 50(1): 53-78.
- * *. Corbella, Silvano (and others), (2015), Audit firm rotation audit fees and audit quality: the experience of Italian public companies, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 25: 46-66.
- * *. Cullinan, C. P. (and others), (2012), Audit Opinion Improvement and the Timing of Disclosure, Advances in Accounting, 28: 333-343.
- * *. DeAngelo, L. E., (1981), Auditor Size and Audit Quality, Journal of Accounting and Economics, 3(3): 183-199.
- * *. Francis, J.R. and E.R. Wilson, (1988), Auditor Changes: A joint test of theories relating to Agency Costs and Auditor Differentiation, Accounting Review, 63: 63-82.
- * *. Francis, J.R. and J. Krishnan, (1999), Accounting Accruals and Auditor Reporting Conservatism, Contemporary Accounting Research, 16: 135-165.
- * *. Geiger, M. A., K. Raghunandan and W. Riccardi, (2014), The global financial crisis: U.S. bankruptcies and going-concern audit opinions, Accounting Horizons, 28(1): 59-75.
- * *. Goh, B. W., J. Krishnan and D. Li, (2013), Auditor reporting under Section 404: The association between the internal control and going concern audit opinions, Contemporary Accounting Research, 30(3): 970-995.
- * *. Haw, G. (and others), 2003, Audit Qualification and Timing of Earnings Announcements: Evidence from China, Auditing: A Journal of Practice & Theory, 22 (2): 121-146.
- * *. Jones, J., (1991), Earnings Management during Import Relief Investigations, Journal of Accounting Research, 29(2): 193-228.
- * بنی مهد، بهمن ، یحیی حساس یگانه و نرگس یزدانیان، (۱۳۹۳)، مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس: شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، شماره بیست و یکم، صص ۳۱-۱۷
- * داروغه حضرتی، فاطمه و زهرا پهلوان، (۱۳۹۱)، رابطه بین کیفیت گزارش حسابرسی و حق الزحمه حسابرس در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، شماره ۱۴، صص. ۲۴-۱۳.
- * ستایش، محمدحسین و مظفر جمالیان پور، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه نسبت های مالی و متغیرهای غیر مالی با اظهار نظر حسابرس، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات حسابداری، شماره دوم، صص. ۱۵۷-۱۳۰.
- * سجادی، سید حسین. ناصح، لادن. (سودمندی حسابرسی مستقل صورتهای مالی). بررسی های حسابداری و حسابرسی. ۱۳۸۲. شماره ۳۳، صص ۶۵-۹۱
- * محمدرضائی، فخرالدین و مهدی محمدرضائی (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۱۴، صص. ۱-۱۴.
- * مهرانی، ساسان و مجتبی صفی پورافشار، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه میان محافظه کاری و قیمت گذاری کمتر از واقع در عرضه های اولیه سهام در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری، شماره ۱۸، صص. ۴۹-۶۵.
- * نیکبخت، محمد رضا و محسن تنانی، (۱۳۸۹)، آزمون عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی صورتهای مالی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های حسابداری مالی، شماره ۴، صص. ۱۳۲-۱۱۱.
- * *. Alzoubi, Ebraheem Saleem Salem, (2018), Audit quality, debt financing, and earnings management, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 30: 69-84.
- * *. Aminul Islam, Md., Ali Ruhani and Ahmad Zamri, (2010), An Empirical Investigation of the Underpricing of Initial Public Offerings in the Chittagong Stock Exchange, International Journal of Economics and Finance, 2(4): 36-46.
- * *. Azibi, J., H. Tondeur and M. Rajhi, (2010), Auditor Choice and Institutional Investor Characteristics after the Enron Scandal in the French Context, Crises et Nouvelles Problématiques de la Valeur, Nice: France.
- * *. Brau, J.C. and P.M. Johnson, (2009), Earnings Management in IPOs: Post-Engagement Third-Party Mitigation or Issuer Signaling?, Advances in

یادداشت‌ها

¹ White

² Levin, Lin & Chu.

³ Stationarity

⁴ Cointegration test

- * *. Kim, D. and Y. Qi., (2010), Accruals Quality, Stock Returns and Macroeconomic Conditions, *The Accounting Review*, 85(3): 937-78.
- * *. Lawrence, A., Miguel Minutti-Meza and Ping Zhang, (2011), Can Big 4 versus Non-Big 4 Differences in Audit-Quality Proxies Be Attributed to Client Characteristics?, *The Accounting Review*, 86 (1): 259-288.
- * *. Lee, P.J., S. L. Taylor and T.S. Walter, (1994), Australian IPO Pricing in the Short and Long-Run, Mimeo, University of Sydney.
- * *. Lee. J. Philip (and others), (2002), Auditor Conservatism and Audit Quality: Evidence from IPO Earnings Forecasts. University of Technology, Sydney.
- * *. Leland, H .E, and D. H. Pyle, (1977), Information Asymmetric, Financial structure, and financial tructure, and financial intermediation, *The Journal of Finance*, 32(2): 371-387.
- * *. Lennox, C., (1999), Are large Auditors more Accurate than small Auditors?, *Accounting and Business Research*, 29: 217-227.
- * *. Leon, A. J. (and others), (2013), How do Auditors Behave During Periods of Market Euphoria? The Case of Internet IPOs, *Contemporary Accounting Research*, 30(1): 182-214.
- * *. Lin, Chan-Jane, Lin Hsiao-Lun and Ai-Ru Yen, (2013), Dual Audit, Audit Firm Independence and Auditor Conservatism, *Review of Accounting and Finance*, 13(1): 65-87.
- * *. Philip J. Lee, Sarah J. Taylor and Stephen L. Taylor, (2006), Auditor Conservatism and Audit Quality: Evidence from IPO Earnings Forecasts, *International Journal of Auditing*, 10(3): 183-199.
- * *. Rock, K., (1986), Why New Issues are Underpriced, *Journal of Financial Economics*, 15: 187-212.
- * *. Roosenboom, P., T. Van der Goot and G. Mertens, (2003), Earnings Management and Initial Public Offerings: Evidence from The Netherlands, *International Journal of Accounting*, 38(3): 243-266.
- * *. Sun Yong, (2007), Two Essay on IPO Earnings Management, Doctoral Dissertation, UMI 3283070
- * *. Titman, S. and B. Trueman, (1986), Information Quality and the Valuation of New Issues, *Journal of Accounting and Economics*, 8(2): 159-172.
- * *. Tsipouridou, M. and Ch. Spathis, (2014), Audit Opinion and Earnings Management: Evidence from Greece, *Accounting Forum*, 38(1): 38-52.
- * *. Willenborg, M., (1999), Empirical Analysis of the Economic Demand for Auditing in the Initial Public Offerings market, *Journal of Accounting Research*, 37(1): 225-238.
- * *. Zhang, X. F., (2006), Information Uncertainty and Stock Returns, *Journal of Finance*, 61(1): 105-136.